تاملاتی درپاسخ های سیدبحرالعلوم به منکرین رویت قبل از زوال

شاگرد: با توجه به اینکه اصطلاح انصراف در آن زمان شکل نگرفته بود، ایشان در کلامشان تصریح دارند که موضوع له اعم است، بعد می‌گویند ولی در اینجا تنها یک فردش به ذهن می‌آید. مجموع این کلام را می‌توان به این صورت گفت که ایشان همان انصراف مصطلح منظورشان بوده و انصراف باعث نمی‌شود طبیعت نفی شود. اینکه فرمودند نیاز به‌دلیل دارد چون یک فردش منصرف شده بود. جای هم که تعبیری تبادر کرده‌اند به این جهت بوده که لسان نبوده.

استاد: مانعی ندارد. البته ادامه فرمایش شما در «سؤال» ایشان عرضی دارم. سؤال و جواب ایشان را دیروز خواندیم. سؤال چطور مطرح شد؟ چرا می‌فرمایند «ایشان سؤال»؟ بعد هم جوابی می‌دهند و می‌گویند تبادر علامت عند الاشتباه است. علامت عند الجهل است. درحالی‌که ما علم داریم. چرا می‌گویند این سؤال هست و بعد به آن صورت جواب می‌دهند؟ همانطور که آقا اشاره کردند این ضوابط کلاسیکی که سائر علماء منقح کرده‌اند، نبوده. معما چو حل گشت آسان شود! وقتی آدم وارد بحثی می‌شود که هزاران حیث لطیف در آن دخالت دارد، نمی‌توان یک دفعه به جواب رسید. حتی مرحوم سید هم با آن ذهن صاف وقتی می‌آیند، زبان علمی ندارند که بگویند. اینها منحاز نشده. این خیلی مهم است. تحقیقات علماء به باحثین زبان می‌دهد. حیثیات لطیفه‌ای که از هم ممتاز نبود را با بیانات علمی ممتاز می‌کنند. برای اینکه این سؤال و جواب ایشان روشن شود، روی اصل استدلال ایشان مروری داشته باشیم.

شاگرد۲: سید می‌فرمایند این تبادر، علامت کشف حقیقت است، در اینجا هم که حقیقت را می‌دانیم، برای کشف مراد که نمی‌توان به تبادر تمسک کرد. یعنی اگر بخواهند با زبان امروز جواب بدهند این را می‌گویند.

استاد: این یک چیز مهمی است؛ ببینید در استدلال چه گفته بودند. ببینید مرحوم سید جواب چه چیزی را می‌دهند. صفحه دهم بود؛ من عبارت را می‌خوانم و بعد بر می‌گردم و زیر برخی از کلمات خط می‌کشم. چند بار این عبارت را خواندیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 4 آوریل 2026 13:49:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 آوریل 2026 13:50:24 توسط ... .